

شناخت مکاتب‌های ادبی*

مکتب ادبی چیست؟

یکی از مباحث مورد توجه در تاریخ ادبیات و نقد ادبی کشورهای غربی، مکاتب‌ها (Schools) یا نهضت‌ها (Movements) یا به اصطلاح، ایسم‌های ادبی است، در این مبحث، آثار مختلف ادبی دوره‌های مختلف، از نظر خصوصیت‌ها و ویژگی‌های مشترک، طبقه‌بندی و نامگذاری شده‌اند و در بحث از تاریخ ادبیات هر دوره، یا آثار هر نویسنده یا شاعر، به این طبقه‌بندی‌ها و خصوصیات آن‌ها توجه می‌شود و در حقیقت، این مکاتب‌ها، به‌عنوان یکی از معیارهای نقد و ارزیابی آثار ادبی به‌کار می‌رود.

هر مکتب ادبی، مجموعه نظریه‌ها و خصوصیت‌هایی است که در شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر دوره، در ادبیات یک یا چند کشور به وجود آمده است. این خصوصیت‌ها، معمولا در آثار گروهی از نویسندگان و شاعران مشترک هستند و باعث تمایز آثار آن‌ها از آثار دیگران می‌شوند. اغلب این خصوصیات را، منتقدان یا نویسندگان و شاعران بزرگ، از آثاری که این خصوصیت‌های مشترک را در خود داشته‌اند، استخراج و به‌عنوان دستورالعمل و ضابطه‌های اصولی هر مکتب معرفی کرده‌اند، آنگاه از طریق پیروانی که برای خود یافته‌اند، دوره‌هایی کوتاه یا طولانی را به خود اختصاص داده‌اند.

ویژگی‌های هر مکتب، معمولا در آثار ادبی، بتدریج آشکار می‌شود و اغلب، مجموعه این اختصاصات، دنباله و نتیجه طبیعی اختصاصات مکتب قبلی و گاه عکس‌العمل و طغیانی بر ضد آن است، به این ترتیب، ظهور هیچ‌یک از مکاتب‌های ادبی ناگهانی و بی‌مقدمه نبوده است، و اغلب نشانه‌هایی از هر کدام را در آثار ادبی دوره ماقبل آن می‌توان یافت که رفته‌رفته بر اثر اوضاع و احوال و جوی که در آن امکان رشد داشته، پرورش یافته و خصایص و ویژگی‌های آن برجسته‌تر و نمایان‌تر شده است. در حقیقت چه بسا که پایه‌گذاران مکتبی

* برگرفته از کتاب انتشار نیافته فرهنگ تفصیلی اصطلاحات شعر و شاعری. (بخش‌های دیگر این مبحث در شماره‌های آینده چپ‌ستا چاپ خواهد شد).

خود نیز از خصلت‌های ویژه‌کار خود، آگاه نبوده‌اند و شخص یا اشخاصی دیگر که منتقد یا خود هنرمند بوده‌اند، شیوه‌های هنری آن‌ها را تشخیص داده و آن‌ها را تدوین کرده‌اند، آنگاه در بیانیه‌ای که آن را اصطلاحاً مانیفست یا مرامنامه می‌نامند؛ آن‌ها را اعلام داشته و هدف‌ها و روش‌های هر مکتب را توضیح و شرح داده‌اند، سپس هنرمندان دیگری آن روش‌ها را ادامه داده و تکمیل کرده‌اند و بدین گونه مکتبی شکل گرفته است.

اما گاه به‌ندرت اصول بعضی از مکتب‌ها در وهله اول به‌شکل تئوری و نظریه اعلام شده، سپس شاعران و نویسندگان آن‌را به‌مرحله عمل درآورده‌اند، در این صورت، در اغلب موارد، گروهی با عقاید و روش‌ها و هدف‌های مشترک گردهم آمده‌اند. مانیفست خود را اعلام کرده‌اند و اصول آن‌را در آثار خود به‌کار برده‌اند و تلاش آن‌ها که اغلب در جمع محدودی محدود بوده است و تنها شکل جریانی ادبی داشته است، منجر به پیدایش مکتبی خاص شده است.^۱

معمولاً مکتب‌ها بر اساس نظر گاه‌های فلسفی نسبت به هنر و زندگی معمول در هر زمان به‌وجود آمده است، اما گاه این نظر گاه‌ها ریشه در گذشته‌های دورتر داشته است و اغلب نوعی دلزدگی و عکس‌العمل نسبت به زمان حال، باعث روکردن به فلسفه و دیدگاه‌های هنری گذشته و در نتیجه تجدید حیات آنها شده است،^۲ البته این قانونی کلی نیست و در مورد بسیاری از مکتب‌ها صدق نمی‌کند.

بینشی که فیلسوفان و هنرمندان هر دوره نسبت به هستی و دنیای اطراف خود داشته‌اند که آن خود نیز حاصل اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی آن دوره بوده است، مهمترین عامل ظهور هر مکتب شمرده می‌شود. در هر مکتب آنچه بیشتر مهم و قابل بررسی است، همین نحوه نگرش به دنیا و زمینه فلسفی و فکری پیشوایان آن است، در نتیجه همین نگرش و همراه با آن، تغییراتی در شکل بیان هنری نیز به‌وجود می‌آید، نوع بهره‌گیری از زبان و کیفیت به‌کارگیری واژه‌ها تفاوت می‌یابد، و به‌طور خلاصه، تفکر و ذهنیت، در شیوه بیان هنری اثر می‌گذارد و وجه مشخصه‌ای برای تمایز مکتبی از دیگر مکتب‌ها می‌شود. گاه پیدایش و رواج مکتبی، باعث توجه عمده به یک یا چند گونه از انواع ادبی (Genre)^۳ شده و حتی گاه صورتهای (Form) تازه و ابزار جدیدی برای بیان هنری به‌وجود آورده است.^۴ هر چند ظهور هر مکتب، حاصل شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و تفکر مسلط فرهنگی و فلسفی هر دوره است، اما گاه اتفاق افتاده است که مکتب‌هایی کاملاً متفاوت،

۱. برای نمونه می‌توان از گروه معروف پلشیا نام برد که در اواسط قرن شانزدهم میلادی با شرکت هفت نویسنده و منتقد در فرانسه تشکیل شد و فعالیت این گروه مقدمه ظهور مکتب کلاسیسیسم جدید در این کشور و دیگر کشورها بود.
۲. مکتب کلاسیسیسم جدید با توجه شاعران و نویسندگان قرن شانزدهم و هفدهم به اصول عقاید ارسطو فیلسوف معروف قرن چهارم قبل از میلاد در زمینه هنر به‌وجود آمد.
۳. منظور از انواع ادبی، شکل‌های گوناگون ارائه مضمون و بیان هنری از قبیل، حماسه، کمدی، تراژدی و همچنین شعر، داستان، نمایشنامه و مانند آن است.
۴. شعر آزاد در ادبیات فرانسه، نتیجه پیدایش مکتب نمادگرایی سمبولیسم است.

تقریباً همزمان در کشوری واحد به وجود آمده‌اند و در کنار یکدیگر رشد کرده‌اند و با همه تفاوت‌هایی که باهم داشته‌اند؛ هر کدام برای خود پیروانی یافته‌اند.^۵ به نظر می‌رسد که این تنوع بیشتر محصول دورانی است که هنر و ادبیات از دایره تنگ علاقه و توجه طبقه‌ای خاص بیرون آمده و در بین طبقات مختلف مردم، گسترشی نسبتاً وسیع داشته است و هرچه این دایره وسیع‌تر و بهره‌گیری از هنر، عام‌تر شده است، ذوق‌ها و سلیقه‌ها و جهان‌بینی‌های متفاوت، مکتب‌هایی متنوع‌تر و متعددتر را در زمان و مکان واحد به وجود آورده است، همین تنوع را حتی می‌توان در آثار یک نویسنده یا شاعر یافت. به طوری که گاه تعیین دقیق تعلق یک شاعر به مکتبی خاص، مشکل و غیرممکن است، بخصوص که بعضی از نویسندگان و شاعران در دوره‌های مختلف زندگی خود گرایش‌هایی گوناگون داشته‌اند و گاه شاعر یا نویسنده‌ای با توجه به خصوصیات و خصصت‌های متفاوت آثارش در دو مکتب جداگانه قرار می‌گیرد و آثار او برحسب گرایش‌های او در دوره‌های مختلف زندگی، در مکتب‌های جداگانه‌ای طبقه‌بندی می‌شود.^۶

اغلب مکتب‌های ادبی در وهله اول در یک کشور ظاهر شده و سپس به ادبیات کشورهای دیگر راه یافته است و گاه در کشورهای دیگر، زمینه‌ای مناسب‌تر از کشور مبدأ خود یافته و در سرزمین جدید، رشدی بیشتر پیدا کرده است، یا در عین حفظ اصول و مبانی خود، تغییرات و تحولاتی پذیرفته است. مکتب‌هایی که بدینگونه از حدود و مرزهای جغرافیایی واحدی تجاوز کرده‌اند و گسترشی وسیع و جهانی یافته‌اند، به نهضت یا جنبش (Movement) معروف شده‌اند.

بعضی از مکتب‌ها نیز نتیجه ترکیب و تلفیق چند مکتب جداگانه است که به شکلی واحد در آمده است. در دوران معاصر، بر اثر ارتباط فرهنگی ملت‌ها و آشنایی آنها با زبان و ادبیات یکدیگر، این تأثیرگذاریها و تأثیرپذیریها سرعت بیشتری داشته و اغلب باعث کوتاه شدن دوره دوام مکتبها و در آمیختن آنها با یکدیگر شده است، به طوری که مکتبهای ادبی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که بیشتر زاده اوضاع و احوال ناپایدار و متغیر این دوران و حاصل نفن پرستی و تنوع دوستی گروه‌های کوچک است، اغلب عمری کوتاه داشته‌اند و از تأثیر و گسترش مداوم و وسیع بی‌بهره بوده‌اند.

بعضی از مکتبها، نفوذ و تأثیر خود را تا سالها بعد از زوال ادامه داده‌اند و گاه‌هایی از آنها را در مکتبهای بعدی، با سالها فاصله می‌توان یافت، برای نمونه مکتب ایماژیسم (Imagism) از نظر اغلب منتقدان، بسیاری از خصوصیات خود را از مکتب سمبولیسم یا نمادگرایی گرفته است.

پیشروان هر مکتب، معمولاً شاعران و نویسندگان برجسته‌ای هستند که با اصالت و تشخیص کار هنری خود، طرحی نو در ادبیات ریخته‌اند و نویسندگان و شاعران دیگر را

۵. برای نمونه دو مکتب واقع‌گرایی (رئالیسم) و نمادگرایی (سمبولیسم) با همه تفاوت‌هایی که باهم دارند، تقریباً همزمان در اواخر قرن ۱۹ به وجود آمدند.

۶. از این جمله‌گفته شاعر و نویسنده آلمانی (۱۸۳۲-۱۷۹۴) را می‌توان نام برد که آثار متعدد او در دو مکتب رمانتیسم و نوعی خاص از کلاسیسیسم جدید قرار می‌گیرد.

به دنبال خودکشانده اند، همچنانکه گذشت، آنچه تعیین کننده اصول و کلیات هر مکتب است، اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی یا در واقع دیدگاه فلسفی خاصی است که نتیجه آن اوضاع و احوال است و طبیعتاً بر هنرمندان اصیل آن دوره، حاکم و مسلط بوده است، از این جهت، مطالعه هر یک از مکتب‌های ادبی، ما را به اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و فلسفی دوره خاص اشاعه آنها، آشنا می‌کند و دیدگاه‌های فلسفی و هنری شاعران و نویسندگان آن دوره را بر ما باز می‌نماید و نیز در مطالعه زندگی و آثار هنر نویسنده و شاعر و درک شخصیت و ارزش‌های کار او مفید واقع می‌شود.

آنچه در ادبیات غرب، از مکتب‌ها شناخته و اصطلاحات آن در زبان فارسی رایج شده است، قابل تطبیق با خصوصیات ادبیات فارسی نیست. شاید بتوان تشابه‌ها یا بعضی از خصوصیات یک مکتب ادبی را در اثر یک یا چند شاعر از دوره‌های متفاوت پیدا کرد، اما با توجه به آنچه در تعریف مکتب ادبی و علل به وجود آمدن آنها گذشت، روشن است که ویژگی‌های مکتب‌های ادبی غربی را نمی‌توان در آثار ادبی زبان فارسی یافت و این آثار را نمی‌توان با معیارهای آن مکتب‌ها سنجید و بررسی کرد. تنها تقسیم‌بندی معقولی که تا حدودی به مکتب‌های ادبی اروپایی نزدیک است و می‌توان آن را برای آثار ادبی فارسی، آن‌هم تنها در زمینه شعر در نظر گرفت، تقسیم‌بندی آنها بر اساس اسلوب‌هایی است که در مکانهای متفاوت جغرافیایی در دوره‌های مختلف تاریخی ایران به وجود آمده است و اصطلاحاً در ادبیات فارسی به سبک معروف شده است.

منابع

۱. شفیع کدکنی، محمدرضا، ادوار شعر فارسی. تهران، توس، ۱۳۵۱، ص. ۵۴.
۲. نائل خانلری، پرویز، هفتاد سخن، جلد اول شعر و هنر. تهران، توس، ۱۳۶۷، ص: ۱۳۷-۱۳۸.
۳. سید حسینی، رضا، مکتب‌های ادبی. چاپ نهم. تهران، نیل-نگاه، ۱۳۶۶، ص ۳۴۰-۳۱۹.
4. Cudden J. A. A Dictionary of Literary Terms. Great Britain. Penguin Books, 1979 P. 606.